

## ارزیابی وضعیت توسعه یافتگی شهرستان قوچان با استفاده از آنالیز تاکسونومی عددی

علیرضا زارع شاه آبادی

استادیار و عضو هیئت علمی گروه جغرافیا دانشگاه یزد

کبری سرخ کمال

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد

تاریخ دریافت ۱۳۸۸/۷/۵ تاریخ پذیرش ۱۳۸۸/۸/۱۰

### چکیده

به کارگیری معیارها و روش‌های کمی جهت سطح‌بندی سکونتگاه‌ها در سیستم فضایی مناطق از سویی منجر به شناخت میزان نابرابری نقاط سکونتگاهی و از سوی دیگر معیاری جهت تلاش در راستای کاهش و رفع نابرابری‌های موجود میان آنها محسوب می‌گردد. در این پژوهش با به‌کارگیری شاخص‌های متعدد توسعه‌یافتگی در چارچوب آنالیز تاکسونومی عددی (NTA) و همچنین تکنیک‌های مکمل آن، نشانگر آن است که در سطح استان خراسان رضوی، شهرستان قوچان رتبه هفتم را از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی کسب نموده است. به علاوه شکاف و نابرابری عمیقی بین شهرستان‌های استان از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی ملاحظه می‌شود؛ به گونه‌ای که شهرستان مشهد با ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۴۲ برخوردارترین و شهرستان «مه‌ولات» با ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۹۹ محروم‌ترین شهرستان استان شناسایی شده‌اند. با توجه به اینکه شهرستان قوچان جزء چهار شهر میانی استان محسوب می‌شود و از لحاظ قابلیت‌ها و پتانسیل‌های توسعه از وضعیت مطلوبی برخوردار است، اما متأسفانه از لحاظ برخورداری از مواهب توسعه، به مانند سایر شهرستان‌های استان و تحت تاثیر شرایط حاکم بر منطقه، در گروه شهرستان‌های محروم از توسعه جای گرفته است. بر پایه این تحقیق، الگوی مرکز-پیرامون بر ساختار فضایی استان خراسان رضوی، حاکم است.

واژگان کلیدی: توسعه یافتگی، نابرابری، آنالیز تاکسونومی عددی، قوچان.

## طرح موضوع و اهمیت آن

انسان امروز با بهره‌گیری از قدرت اندیشیدن، طی قرون، به حوزه‌های مختلف دانش راه یافته و به یاری فنون و دستاوردهایش برای فراهم ساختن زندگی بهتر تلاش ورزیده است. هرچند ساختار زندگی نسبت به اعصار گذشته تغییر نکرده، اما مشکلات تغییر یافته‌اند و در هر دوره مسائل خاص آن دوره موجب دل مشغولی انسان بوده است. در این زمینه از جمله مباحث مطرح و قابل بررسی فرآیند توسعه و عدالت اجتماعی در سکونتگاه‌های انسانی است.

به طور کلی از آنجایی هر کشوری در راه توسعه تلاش می‌کند، بنابراین توسعه هدفی است که اکثر مردم آن را ضروری می‌دانند درحالی‌که پیشرفت اقتصادی یکی از عوامل مهم توسعه است ولی تنها عامل نیست و دلیل آن این است که توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست. بنابراین هدف اصلی توسعه باید ایجاد یک الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی که تمام اقشار جامعه را پوشش دهد باشد. البته با تأکیدی خاص بر تسریع رشد و درآمد گروه‌های بسیار فقیر. چنین هدفی مستلزم استراتژی است بسیار متفاوت از استراتژی به حداکثر رساندن نرخ رشد تولید ناخالص ملی، صرف‌نظر از نتایج توزیعی آن (تودارو، ۱۳۶۴: ۲۳۵). توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی‌هایی در ساختار سیاسی، نهادی، اجتماعی، اداری و اصلاح آنها و همچنین وجه نظرهای عمومی مردم است، توسعه در بسیاری موارد به ویژه باورها و الگوهای رفتاری و فعالیتی حتی آداب و رسوم و عقاید مردم را در بر می‌گیرد. (ازکیا، ۱۳۶۴: ۷) بررسی و شناخت وضعیت نواحی، قابلیت‌ها و تنگناهای آن در برنامه‌ریزی از اهمیت بسزایی برخوردار است. امروزه آگاهی از نقاط قوت و ضعف نواحی نوعی ضرورت جهت ارائه طرح‌ها و برنامه‌ها محسوب می‌شود. به طوری‌که استفاده از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی و... می‌تواند معیاری مناسب هم برای تعیین جایگاه شهر و هم در جهت رفع مشکلات و نارسایی‌های مبتلا به خود برای نیل به رفاه اقتصادی و سلامتی اجتماعی جهت رسیدن به توسعه باشد. به هر جهت در شهرهای ایران توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی با چالش‌های متعدد روبه‌رو بوده و هست. به طوری‌که اینک شاهد فقر گسترده و عدم تعادل فزاینده، رشد بیکاری و بهره‌وری پایین در نواحی کشور هستیم. البته ریشه این امر را باید در عملکرد ناکارآمد نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاست‌های تبعیض‌آمیز توسعه نواحی و شهرها جستجو کرد و برای آن راه حل‌های اساسی پیدا نمود (موسوی، ۱۳۸۲: ۲).

برای تبیین مفهوم توسعه‌یافتگی ابتدا باید ابعاد و جنبه‌های آن مشخص شود. در این تحقیق مفهوم توسعه‌یافتگی تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی، کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای، توزیع بهینه امکانات، برقراری عدالت و در نهایت رسیدن به انواع تعادل‌ها می‌باشد. شهرستان قوچان از لحاظ موقعیت

جغرافیایی در شمال استان خراسان رضوی و در فاصله ۱۳۰ کیلومتری شهر مشهد واقع شده است. این شهرستان دارای مساحتی حدود ۳۷۱۳/۴ کیلومترمربع (۳/۲٪ از کل مساحت استان)، دارای جمعیتی حدود ۱۸۶۰۲۲ نفر و جزء چهار شهر میانی استان خراسان رضوی است (سالنامه آماری استان خراسان رضوی، ۱۳۸۵).

با توجه به تحقیقاتی که تا کنون در زمینه توسعه‌یافتگی کشورها، مناطق، سکونتگاه‌ها و در مجموع مباحث گوناگون، تحقیقات و مطالعات متعددی صورت گرفته است، در ارتباط با تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی و بررسی جایگاه شهرستان قوچان بر مبنای آمار سال ۱۳۸۵ تا کنون پژوهشی انجام نشده است که این مطالعه در شمار الگوهای جدید می‌باشد.

نتایج این تحقیق می‌تواند به برنامه‌ریزان شهری و مدیران شهری کمک نماید تا با شناسایی نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌های موجود قادر باشند زمینه‌های مناسب رشد و توسعه مطلوب شهرستان قوچان را فراهم و ضمن بررسی علل محرومیت، راهکارها و سیاست‌هایی اصولی و متناسبی را ارائه و اتخاذ نمایند.

#### پیشینه تحقیق

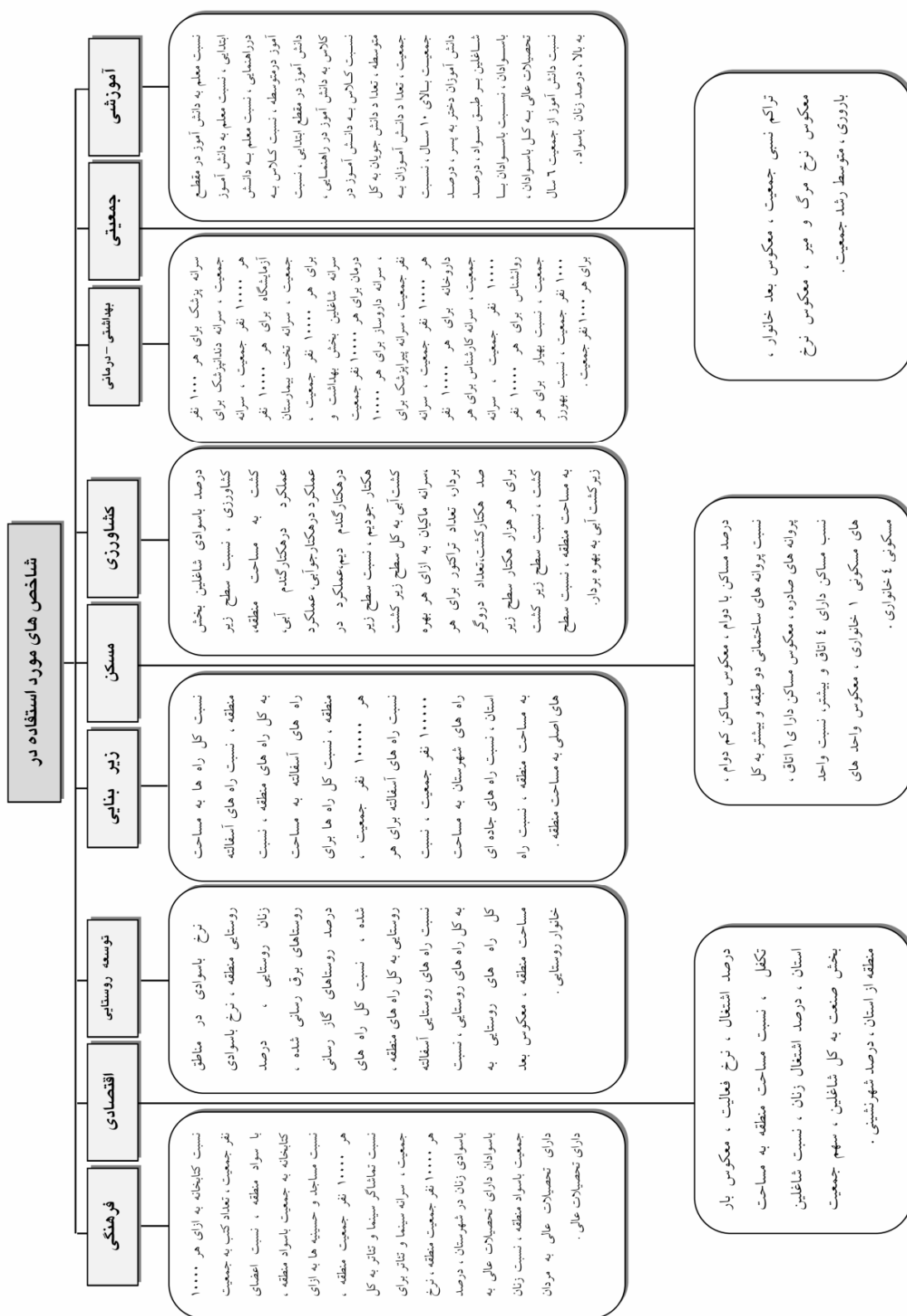
علی رغم ارائه تعاریف متعدد از «توسعه»، تعریف جهان شمولی از آن ارایه نشده و محافل مختلف معانی متفاوتی برای توسعه ذکر کرده‌اند. پروگنیلا (۱۹۸۸) توسعه را پیشرفت به سوی اهدافی نظیر کاهش فقر، بیکاری و برابری تعریف می‌کند (Long, 1988, p:10). برخی از صاحب‌نظران بزرگ چون آدام اسمیت، بایر، کلارک، هیرشمن، میردال و روستو توسعه را یک تحول بنیادی از جامعه کهن به جامعه نوین به شمار آورده‌اند (بایر، ۱۳۶۸: ۴۱). در این ارتباط پژوهش‌های مختلفی در خصوص سنجش و بررسی توسعه‌یافتگی مناطق و نقاط مختلف سکونتگاهی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

سازمان ملل متحد در گزارشی با استفاده از سه شاخص امید به زندگی، درصد باسوادی و درآمد سرانه، درجه توسعه‌یافتگی کشورها را مورد بررسی قرارداد. نتایج نشان داد که بسیاری از کشورهای آفریقایی، آمریکای جنوبی و مرکزی و آسیایی از لحاظ توسعه انسانی در سطح پایینی قرار داشته و نیازمند رشد اقتصادی به منظور پیشرفت می‌باشند (UNDP, 1997: 011-230). در سال ۱۹۹۴ نلسون آرتور و همکارانش با بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و تاریخی و نقش دولت‌ها در توسعه ناحیه‌ای شهرهای آتلانتا و پورتلند در یک دوره ۳۰ ساله (۱۹۹۰-۱۹۶۰) نتیجه گرفتند با وجودی که بیشترین میزان سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در منطقه آتلانتا صورت گرفته است، شهر پورتلند نسبت به دو شهر دیگر از رونق اقتصادی بیشتری برخوردار شده و آنچه باعث تجدید حیات شهری این ناحیه نسبت به دو ناحیه دیگر شده مسئله مدیریت و هماهنگی در برنامه‌ریزی توسعه ناحیه‌ای این شهر نسبت به دو شهر دیگر است (Arthur, 396, 1994).

بهااتیا و رای (Bhatia & Rai, 2004) با استفاده از ۲۳ شاخص به کمک روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به تعیین سطح توسعه ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه از هند در سال ۲۰۰۱ پرداخته و ۵۶ بلوک را توسعه یافته، ۱۵۶ بلوک را نسبتاً توسعه یافته، ۱۱۶ بلوک را کمتر توسعه یافته و ۵۲ بلوک را توسعه نیافته معرفی کردند. در ایران در سال ۱۳۶۹ در دفتر اقتصاد مسکن وزارت مسکن و شهرسازی جهت اندازه‌گیری شاخص‌های برخورداری و نابرابری در شهرهای ایران، رتبه هر استان در سطح کشور و رتبه هر شهر در استان مربوط و کشور تعیین شد. خلیل کلانتری (۱۳۷۴) نیز در پژوهشی راجع به شناسایی مناطق عقب‌مانده در ایران با استفاده از ۱۷ شاخص اقتصادی - اجتماعی از طریق مدل HDI به این نتیجه رسید که مطابق نظریه مرکز-پیرامون، نواحی مرکزی امکانات را در خود متمرکز کرده و باعث رشد و توسعه خود شده‌اند و هر چقدر از مرکز نواحی ایران به طرف حاشیه می‌رویم از شدت توسعه کاسته شده است. (Kalantari, 1374:124) ناصر سارکی (۱۳۷۴) پژوهش دیگری را در استان کرمانشاه انجام داد. ایشان به این نتیجه رسید که بین دهه ۵۵ تا ۶۵ از شدت متوسط نابرابری‌ها در استان کاسته شده است. ولی شهرستان‌هایی که به طور مستقیم درگیر جنگ بوده‌اند در زیر خط توسعه قرار داشته‌اند (سارکی، ۱۳۷۴: ۱). کرامت الله زیاری و همکاران (۱۳۷۹) درجه توسعه‌نیافتگی روستاهای استان یزد را در ۷۰ شاخص توسعه در ۵ بخش مختلف با استفاده از روش تاکسونومی عددی مورد مطالعه قرار داده و اهم نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: ۱۷ روستا در سطح شهرستان‌های یزد نسبت به سایر روستاها ناهمگن هستند، همچنین شهرستان میبد بیشترین روستاهای برخوردار و شهرستان تفت بیشترین درصد روستاهای محروم را داشته‌اند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۸۰-۱۰۴).

### روش تحقیق

با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، نوع تحقیق «کاربردی- توسعه‌ای» و روش بررسی آن «توصیفی-تحلیلی» است. جامعه آماری شهرستان‌های استان خراسان رضوی با تأکید بر شهرستان قوچان می‌باشد. شاخص‌های مورد بررسی ۸۴ شاخص فرهنگی، بهداشتی-درمانی، اقتصادی، جمعیتی، زیربنایی، توسعه روستایی، آموزشی، کشاورزی و مسکن است. اطلاعات مورد نیاز از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و سالنامه آماری ۱۳۸۵ جمع‌آوری گردیده، آنگاه با بهره‌گیری از مدل تاکسونومی عددی به رتبه‌بندی شهرستان‌های استان و تعیین جایگاه شهرستان قوچان از لحاظ سطح توسعه در میان سایر شهرستان‌های استان، مبادرت شده است. با استفاده از چندین مدل مکمل موجود در زمینه سنجش درجه توسعه‌یافتگی از جمله موریس، امتیاز استاندارد و تاپسیس، مقایسه‌ای تطبیقی بر اساس شاخص‌های تلفیقی صورت گرفته است، در نهایت از طریق ضریب پراکندگی میزان نابرابری‌های ناحیه‌ای و تمرکز بررسی گردیده است.



### شرح مدل های تحقیق

در برنامه ریزی های ناحیه ای باید از روش هایی برای تعیین نقاط همگن و درجه توسعه یافتگی نقاط سکونتگاهی استفاده شود که با توجه به ماهیت این مقوله، می بایست روش مناسبی اتخاذ گردد که در ادامه به معرفی سه روش در این حوزه پرداخته می شود.

### آنالیز تاکسونومی عددی

تاکسونومی عددی روشی است که برای طبقه بندی موضوعات یا وقایع به کار می رود. بین عناصر تشکیل دهنده موضوعات یا وقایعی که در یک گروه قرار می گیرد، حداکثر تشابه یا نزدیکی وجود دارد و نیز این گروه در مجموع با عناصر تشکیل دهنده گروه های دیگر دارای حداکثر اختلاف است، به عبارت دیگر تفاوت های بین عناصر درونی یک گروه در حداقل و بین این گروه با عناصر دیگر در حداکثر است. از این رو گروه ها معمولاً خوشه ای از موضوعات و وقایع هستند که برحسب تشابه یا نزدیکی عناصرشان تعریف می شوند (بید آبادی، ۱۳۶۲: ۴).

در این تحقیق نواحی استان بر اساس میزان برخورداری یا عدم برخورداری از شاخص های توسعه به سه ناحیه برخوردار، نیمه برخوردار و محروم طبقه بندی شده است. بر اساس روش تاکسونومی عددی چنانچه  $0 \leq F < 0/775$  برخوردار و اگر بین  $0/775 \leq F < 0/884$  باشد، نیمه برخوردار و چنانچه بین  $0/884 \leq F < 1$  باشد، ناحیه محروم و از لحاظ برخورداری از شاخص های توسعه در سطحی پایین است. مراحل تکنیک آنالیز تاکسونومی عددی در قالب چندین مرحله، به شرح ذیل قابل اجرا است.

- ۱- تشکیل ماتریس داده ها، ۲- تشکیل ماتریس فواصل، ۳- تعیین کوتاه ترین فاصله، ۴- مشخص کردن بخش های همگن، ۵- محاسبه فاصله مرکب هر منطقه از منطقه ایده آل، ۶- محاسبه درجه توسعه.

### ساختار الگوی موریس

برنامه عمران سازمان ملل متحد، الگویی برای درجه بندی نواحی از لحاظ توسعه یافتگی (کالبدی - انسانی) با استفاده از سه شاخص امید به زندگی، نرخ باسوادی و درآمد سرانه جهت سطح بندی ۱۳۰ کشور جهان به کار برده است که هم جدیدترین الگوی رسمی به کار رفته در سطح جهانی بوده و هم اینکه قابلیت گسترش و جایگزینی آنها در فضاهای مورد برنامه ریزی با مقیاس های مختلف و متنوع قابل اجراست که به نام الگوی موریس یا شاخص توسعه انسانی معروف است (معمارزاده، ۱۳۷۴: ۱۸۵).

این یکی از روش های مؤثر در زمینه ترکیب منطقی شاخص های سنجش توسعه یافتگی نواحی است. روش موریس با استفاده از داده های توصیفی هر واحد سکونتگاهی، در مقایسه با واحدهای دیگر و با بهره گیری از دو پارامتر زیر سطح توسعه یافتگی را مشخص می کند:

شاخص ناموزون موريس که از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود :

رابطه (۱)

$$y_{ij} = \frac{x_{ij} - x_{ij} \min}{x_{ij} \max - x_{ij} \min}$$

در این رابطه:

$y_{ij}$  = شاخص ناموزون برای متغیر  $i$  ام در واحد  $j$  ام

$x_{ij}$  = متغیر  $i$  ام در واحد  $j$  ام

$x_{ij} \min$  = حداقل مقدار متغیر  $i$  ام

$x_{ij} \max$  = حداکثر مقدار متغیر  $i$  ام است.

نکته مهم در این روش این است که شاخص‌های به کارگرفته شده باید هم‌سو یا هم‌جهت باشند. جهت بررسی موضوع، تمام شاخص‌های مورد نظر در قالب فرمول یاد شده به کار گرفته می‌شوند (قدیری، ۱۳۷۷: ۳۶۹).

$$D.I. = \frac{\sum_{i=1}^n y_{ij}}{n}$$

ب) شاخص اصلی توسعه که از طریق فرمول محاسبه می‌شود و در آن  $n$  تعداد شاخص‌های مورد مطالعه و  $D.I.$  شاخص اصلی توسعه است. ضریب شاخص توسعه موريس بین صفر تا ۱۰۰ نوسان دارد که هرچه به ۱۰۰ نزدیکتر باشد، سطح توسعه‌یافتگی بیشتر است. (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۵۳)

#### مدل امتیاز استاندارد شده

این مدل یکی از روش‌های تعیین نابرابری منطقه‌ای و رتبه‌بندی مناطق در پهنه سرزمین است. این روش میزان تفاوت را آشکار می‌سازد (موسوی و حکمت نیا، ۱۳۸۴: ۱۶۲). ساختار کلی این مدل به شرح زیر است:

$$SS_{ij} = \frac{X_{ij} - \bar{X}_i}{\delta_i}$$

در این رابطه:

$SS_{ij}$  = برابر با امتیاز استاندارد شده شاخص  $i$  در منطقه  $j$

$X_{ij}$  = برابر مقدار شاخص  $i$  در منطقه  $j$

$\bar{X}_i$  = میانگین شاخص  $i$

$\delta_i$  = انحراف معیار شاخص  $i$

در مرحله بعد امتیاز استاندارد شده هر یک از شاخص‌ها برای مناطق مورد مطالعه با هم جمع و نتیجه به تعداد کل شاخص‌ها تقسیم می‌شود. امتیاز به دست آمده، معدل امتیازهای استاندارد شده مناطق مورد مطالعه

است که به صورت یک شاخص واحد، امکان مقایسه نواحی را از نظر فعالیت میسر می‌سازد:

$$SS_{ij} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n SS_{ij}$$

SS<sub>ij</sub>: شاخص توسعه برای منطقه j

n: برابر تعداد شاخص‌های در نظر گرفته شده است.

### تکنیک تاپسیس<sup>۱</sup>

جهت رتبه‌بندی بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روش‌های مختلفی وجود دارد که الزاماً جواب‌های یکسانی در پی ندارند. یکی از این روش‌های رتبه‌بندی که دارای قدرت بالایی در تفکیک گزینه‌ها می‌باشد، روش تاپسیس است.

در این روش علاوه بر در نظر گرفتن فاصله یک گزینه Ai از نقطه ایده آل، فاصله آن از نقطه ایده آل منفی هم در نظر گرفته می‌شود. در نهایت گزینه‌ها بر اساس کمترین فاصله از راه حل ایده آل مثبت بوده و در عین حال دورترین فاصله از راه حل ایده آل منفی رتبه‌بندی می‌شوند.

### الگوریتم تکنیک تاپسیس

قدم یکم - تبدیل ماتریس تصمیم‌گیری موجود به یک ماتریس «بی‌مقیاس شده» با استفاده از فرمول:

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

قدم دوم - ایجاد ماتریس «بی‌مقیاس» وزین با فرض بودن بردار W به عنوان ورودی به الگوریتم.

یعنی:

$$V = N_D = W_{n \times n} = \begin{vmatrix} v_{11} & v_{1j} & v_{1n} \\ v_{m1} & v_{mj} & v_{mn} \end{vmatrix} \quad W = \{w_1, w_2, \dots\} \approx (DM)$$

وزین به طوری که ND ماتریسی است که امتیازات شاخص‌ها در آن «بی‌مقیاس» و قابل مقایسه شده است و W<sub>n\*n</sub> ماتریسی است قطری که فقط عناصر قطر اصلی آن غیر صفر خواهد بود.



قدم سوم: مشخص نمودن راه حل ایده آل و راه حل ایده آل - منفی

برای گزینه ایده آل  $(A^+)$  و ایده آل منفی  $(A^-)$  تعریف کنیم:

$$\text{گزینه ایده آل} = A^+ \{(\max v_{ij} | j \in J), (\min v_{ij} | j \in J') \mid i = 1, 2, \dots, m\}$$

$$= \{v_1^+, v_2^+, \dots, v_j^+, \dots, v_n^+\}$$

$$\text{گزینه ایده آل منفی} = A^- \{(\min v_{ij} | j \in J), (\max v_{ij} | j \in J') \mid i = 1, 2, \dots, m\}$$

$$= \{v_1^-, v_2^-, \dots, v_j^-, \dots, v_n^-\}$$

قدم چهارم: محاسبه اندازه جدایی (فاصله)

فاصله گزینه  $i$  ام با ایده آل با استفاده از روش اقلیدسی بدین قرار است:

$$d_{i+} = \text{فاصله گزینه } i \text{ ام از ایده آل} = \left\{ \sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2 \right\}^{0/5}; i = 1, 2, \dots, m$$

$$d_{i-} = \text{فاصله گزینه } i \text{ ام از ایده آل - منفی} = \left\{ \sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2 \right\}^{0/5}; i = 1, 2, \dots, m$$

قدم پنجم - محاسبه نزدیکی نسبی  $(A_i)$  به راه حل ایده آل. این نزدیکی نسبی را به صورت زیر

تعریف می کنیم:

$$cl_{i+} = \frac{d_{i-}}{d_{i+} + d_{i-}}$$

$$; 0 \leq cl_{i+} \leq 1; i = 1, 2, \dots, m$$

ملاحظه می شود که چنانچه  $A_i = A^+$  گردد آنگاه  $d_{i+} = 0$  بوده و خواهیم داشت:

$$cl_{i+} = 1 \text{ و در صورتی که } A_i = A^- \text{ آنگاه } d_{i-} = 0 \text{ و } cl_{i+} = 0 \text{ خواهد شد. بنابراین هر اندازه گزینه } A_i$$

به راه حل ایده آل  $(A^+)$  نزدیکتر باشد، ارزش  $cl_{i+}$  به واحد نزدیکتر خواهد بود.

قدم ششم: رتبه بندی گزینه ها. بر اساس ترتیب نزولی می توان گزینه های موجود را از مسأله مفروض

رتبه بندی نمود.

### روش ضریب پراکندگی

یکی از روش های اساسی برای بدست آوردن نابرابری منطقه ای، روش ضریب پراکندگی است. با استفاده

از این روش می توان مشخص نمود که یک شاخص تا چه حد به طور نامتعادل در بین مناطق توزیع شده

است. ساختار کلی فرمول به شرح زیر است (کلانتری، ۱۳۷۷: ۱۲۹).

$$CV = \frac{\sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (x_i - \bar{x})^2}{n}}}{\frac{\sum_{i=1}^n X_i}{n}}$$

در این رابطه :

CV: ضریب پراکندگی،

$X_i$ : برابر با مقدار یک متغیر در یک منطقه خاص،

$\bar{X}$ : برابر است با مقدار متوسط همان متغیر،

n: تعداد مناطق.

مقدار بالای ضریب پراکندگی (CV)<sup>۱</sup> نشان‌دهنده نابرابری بیشتر در توزیع شاخص‌ها در بین مناطق است.

### یافته‌های تحقیق

با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده در قالب ۹ بخش (۸۴ متغیر) و بر اساس تکنیک تاکسونومی عددی که به عنوان روش معتبرتری در زمینه سنجش و رتبه‌بندی سطوح توسعه‌یافتگی شناخته شده است، ضریب توسعه‌یافتگی هر یک از شهرستان‌های استان خراسان رضوی محاسبه شده است. نتایج حاصله از بررسی‌ها نشان می‌دهد که ضریب توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها از حداقل ۰/۴۲ تا حداکثر ۱ نوسان دارد. به طوری که شهرستان مشهد بالاترین میزان برخورداری و شهرستان مهاباد پایین‌ترین میزان برخورداری را در بین شهرستان‌های استان در طیف رتبه‌بندی از لحاظ شاخص‌های تلفیقی، در خراسان رضوی دارا می‌باشد. در این میان شهرستان قوچان با ضریب توسعه‌یافتگی (۰/۸۶) رتبه هفتم را در استان کسب نموده است.

به طور کلی مطابق ارقام جدول شماره (۱)، جایگاه و موقعیت شهرستان قوچان از لحاظ برخورداری از مواهب توسعه، در بخش‌های مختلف متفاوت بوده است، به طوری که در زمینه بخش‌های مسکن و آموزشی حائز رتبه هفتم، در بخش‌های فرهنگی، اقتصادی حائز رتبه دهم و در بخش‌های زیر بنایی و جمعیتی به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را دارا است.

جهت رتبه‌بندی بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روش‌های مختلفی وجود دارد که الزاماً جواب‌های یکسانی در پی ندارند. با عنایت به بهره‌گیری از روش‌های متداول در زمینه سنجش سطح توسعه‌یافتگی مطرح شده در این تحقیق (تاکسونومی، موریس، امتیاز استاندارد و تاپسیس) و با استفاده از تلفیق شاخص‌های همه بخش‌ها با یکدیگر، درجه توسعه‌یافتگی و رتبه هر یک از شهرستان‌های استان خراسان رضوی همچنین جایگاه شهرستان قوچان در مقایسه با سایر شهرستان‌های استان تعیین شده است

1- Coefficient of Variation

که نتایج آن به شرح ذیل می‌باشد. طبق رتبه‌بندی که با استفاده از مدل موریس انجام شد، شهرستان مشهد با کسب ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۵۷، رتبه اول و به عنوان برخوردارترین شهرستان شناخته شده است. شهرستان مه‌ولات در انتهای طیف رتبه‌بندی و با کسب ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۲۴، به عنوان محروم‌ترین شهرستان استان معرفی می‌گردد. شهرستان قوچان با کسب ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۴۳، جایگاه دهم را به خود اختصاص داده است. نتایج این رتبه‌بندی در جدول شماره (۲) آورده شده است. با توجه به اینکه روش امتیاز استاندارد یکی از روش‌هایی است که از طریق آن میزان نابرابری‌های موجود تعیین می‌گردد. مطابق این روش، برخوردارترین و محروم‌ترین شهرستان‌های استان به ترتیب شهرستان مشهد با ضریب توسعه‌یافتگی (۰/۶۲) و شهرستان مه‌ولات با ضریب توسعه‌یافتگی (۰/۶۹-) بوده‌اند. شهرستان قوچان با ضریب توسعه‌یافتگی (۰/۰۴)، حائز رتبه دهم بوده است. با بکارگیری تکنیک تاپسیس، نتایج بدست آمده حاکی از آن است که شهرستان مشهد رتبه ۱ و شهرستان خلیل آباد رتبه ۱۹ در بین ۱۹ شهرستان استان خراسان رضوی را کسب نموده است و ضریب پراکندگی بدست آمده ۳/۰ بوده است که بیانگر وجود تفاوت و شدت نابرابری در میزان برخورداری از مواهب توسعه است. شهرستان‌های گناباد، بردسکن و درگز به ترتیب به عنوان دومین، سومین و چهارمین شهرستان‌های استان از لحاظ توسعه‌یافتگی پس از شهرستان مشهد در هر چهار تکنیک بکارگرفته شده، شناسایی شده‌اند. اما در رتبه‌های پنجم و پس از آن تفاوت در جایگاه شهرستان‌ها متفاوت می‌باشد. در مجموع می‌توان چنین اظهار نمود که شهرستان قوچان از لحاظ برخورداری در روش‌های مختلف سنجش درجه توسعه‌یافتگی، رتبه‌های متفاوتی کسب نموده است. به گونه‌ای که بر اساس مدل موریس و روش امتیاز استاندارد حائز رتبه دهم، طبق روش تاکسونومی عددی حائز رتبه هفتم و مطابق تکنیک تاپسیس رتبه نهم را در میان سایر شهرستان‌های استان داراست. نتایج محاسبات جهت انجام مقایسه تطبیقی در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: رتبه بندی شهرستان های استان خراسان رضوی در بخش های مختلف و جایگاه

شهرستان قوچان بر حسب تکنیک تاکسونومی عددی

رتبه	رتبه توسعه یافتگی	کشاورزی		زیربنایی		آموزشی		بخش شهرستان	ردیف
		رتبه	رتبه توسعه یافتگی	رتبه	رتبه توسعه یافتگی	رتبه	رتبه توسعه یافتگی		
۹	۰/۸۷	۲	۰/۴۲	۱	۰/۳۶	۱۳	۰/۵۹	بردسکن	۱
۱۴	۰/۹۴	۱۵	۰/۹۰	۳	۰/۶۹	۳	۰/۴۳	تایباد	۲
۱۱	۰/۹۰	۱	۰/۳۱	۱۲	۰/۷۵	۲	۰/۴۰	تربت جام	۳
۵	۰/۸۵	۵	۰/۷۷	۸	۰/۷۳	۱۰	۰/۵۰	تربت حیدریه	۴
۱۵	۰/۹۶	۱۰	۰/۸۵	۱۸	۰/۹۱	۱۵	۰/۶۱	چناران	۵
۱۸	۰/۹۷	۱۸	--	۱۴	۰/۸۵	۱۹	۰/۶۵	خلیل آباد	۶
۸	۰/۸۶	۱۶	۰/۹۱	۱۶	۰/۸۷	۶	۰/۴۸	خواف	۷
۴	۰/۸۴۴	۶	۰/۷۷	۶	۰/۷۱	۱۱	۰/۵۲	درگز	۸
۱۷	۰/۹۷	۱۴	۰/۸۹	۱۹	۰/۹۴	۱۸	۰/۶۳	رشتخوار	۹
۱۳	۰/۹۳	۱۷	۰/۹۳	۱۱	۰/۷۵	۹	۰/۴۹	سبزوار	۱۰
۷	۰/۸۵۳	۴	۰/۶۶	۱۵	۰/۸۶	۴	۰/۴۶	سرخس	۱۱
۱۲	۰/۹۱	۱۳	۰/۸۸	۱۰	۰/۷۴	۸	۰/۴۹	فریمان	۱۲
۱۰	۰/۸۹	۹	۰/۸۲	۲	۰/۶۳	۷	۰/۴۸	قوچان	۱۳
۶	۰/۸۵۲	۳	۰/۵۶	۱۷	۰/۸۸	۱۲	۰/۵۴	کاشمر	۱۴
۱۶	۰/۹۶	۸	۰/۷۹	۱۳	۰/۷۷	۱۴	۰/۶۱	کلات	۱۵
۲	۰/۷۷	۱۲	۰/۸۷	۷	۰/۷۲	۱۷	۰/۶۲	گناباد	۱۶
۱	۰/۴۲	۱۱	۰/۸۶	۵	۰/۷۱	۱	۰/۲۳	مشهد	۱۷
۱۹	۰/۹۹	۱۹	--	۹	۰/۷۳	۱۶	۰/۶۲	مه ولات	۱۸
۳	۰/۸۴	۷	۰/۷۸	۴	۰/۷۰	۵	۰/۴۷	نیشابور	۱۹
۱۹۳/۰		۳۹۹/۰		۴۶۸/۰		۰۸۶/۰		ضریب پراکندگی	

بر اساس ضریب پراکندگی بدست آمده در بخش آموزشی و مسکن کمتر از ۰/۱ و در بخش توسعه روستایی، اقتصادی و فرهنگی بین ۲-۱,۵ و در بخش کشاورزی، بهداشتی، زیربنایی، جمعیتی بیش از ۰/۳ بوده است که خود بیانگر وجود نابرابری و تفاوت در شاخص های متعدد بخش های مختلف به صورت مجزا است.

ادامه جدول شماره ۱: رتبه‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی در بخش‌های مختلف و جایگاه

شهرستان قوچان برحسب تکنیک تاکسونومی عددی

رتبه	ضریب توسعه یافتگی	جمعیتی		بهداشتی		فرهنگی		توسعه روستایی		بخش	شهرستان
		رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی		
۲	۰/۶۳	۸	۰/۷۲	۴	۰/۵۸	۳	۰/۶۰	۱۷	۰/۹۶	بردسکن	۱
۱۷	۰/۸۹	۱۳	۰/۸۳	۱۳	۰/۷۲	۱۷	۰/۹۰	۱۳	۰/۸۷	تایباد	۲
۱۸	۰/۹۶	۱۴	۰/۸۵	۱۵	۰/۷۵	۱۴	۰/۸۷	۴	۰/۷۴	ترتبت جام	۳
۴	۰/۶۷	۱۰	۰/۷۴	۸	۰/۶۳	۸	۰/۷۸	۸	۰/۷۸	ترتبت حیدریه	۴
۱۳	۰/۸۳	۱۲	۰/۷۷	۱۴	۰/۷۳	۱۶	۰/۸۹	۳	۰/۶۶	چناران	۵
۸	۰/۷۶	۱۱	۰/۷۶	۱۸	۰/۸۶	۱۸	۰/۹۲	۱۱	۰/۸۲	خلیل آباد	۶
۱۰	۰/۷۸	۱۸	۰/۸۸	۱۶	۰/۷۷	۹	۰/۷۹	۱۲	۰/۸۵	خواف	۷
۱۲	۰/۸۱	۷	۰/۶۹	۲	۰/۴۹	۱	۰/۴۸	۵	۰/۷۵	درگز	۸
۱۶	۰/۹۲	۱۹	۰/۹۳	۱۷	۰/۸۳	۱۵	۰/۸۹	۹	۰/۸۱	رشتخوار	۹
۹	۰/۷۷	۵	۰/۶۷	۳	۰/۵۱	۱۲	۰/۸۲	۱۹	۰/۹۸	سبزوار	۱۰
۱۵	۰/۸۸	۱۵	۰/۸۵	۱۰	۰/۶۶	۷	۰/۷۷	۲	۰/۵۷	سرخس	۱۱
۱۴	۰/۸۵	۹	۰/۷۲	۷	۰/۶۰	۵	۰/۷۳	۶	۰/۷۵	فریمان	۱۲
۷	۰/۷۲	۳	۰/۶۶	۶	۰/۶۰	۱۰	۰/۸۱	۱۰	۰/۸۲	قوچان	۱۳
۳	۰/۶۴	۴	۰/۶۶	۵	۰/۵۸	۴	۰/۶۵	۱۶	۰/۹۵	کاشمر	۱۴
۱۹	۰/۹۸	۱۷	۰/۸۷	۱۱	۰/۶۹	۱۳	۰/۸۷	۱۵	۰/۹۴	کلات	۱۵
۱	۰/۶۰	۶	۰/۶۹	۱	۰/۲۱	۲	۰/۵۵	۱۸	۰/۹۷	گناباد	۱۶
۱۱	۰/۸۰	۱	۰/۳۴	۹	۰/۶۶	۱۱	۰/۸۱	۱	۰/۵۷	مشهد	۱۷
۶	۰/۷۱	۱۶	۰/۸۶	۱۹	۰/۹۸	۱۹	۰/۹۳	۱۴	۰/۹۳	مه ولات	۱۸
۵	۰/۶۷	۲	۰/۶۵	۱۲	۰/۷۱	۶	۰/۷۴	۷	۰/۷۸	نیشابور	۱۹
۰/۵۲/۰		۳۶۶/۰		۳۴۴/۰		۱۷۱/۰		۱۵/۰		ضریب پراکندگی	

آنچه کاملاً بدیهی به نظر می‌رسد رویکرد حاکم بر نظام و ساختار فضایی و حاکمیت الگوی توسعه «مرکز- پیرامون» است. در حقیقت حجم بیشتر سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و صنعتی را شهرستان مشهد به عنوان مرکز استان از آن خود نموده است و مقدار اندکی از آن نصیب شهرهای پیرامونی و مرزی استان می‌گردد. امروزه شهرهای بزرگ و نواحی متروپلیتن در کشورهای توسعه‌یافته به شدت در حال رشد هستند.

این نواحی تمامی امکانات، خدمات و سرمایه‌های کشور را در خود بلعیده، با این وجود با انواع مشکلات و معضلات شهری از جمله: کمبود مسکن، بالا رفتن میزان بیکاری، مسأله حاشیه نشینی، مشکل حمل‌ونقل و نارسایی در عرضه سایر خدمات شهری، همچنین تخریب محیط زیست دست و پنجه نرم می‌کنند. از سویی می‌توان گفت که سایر نقاط در این کشورها اعم از شهرهای میانی، شهرهای کوچک

و نقاط روستایی از توسعه عقب مانده‌اند و دچار رکود و توقف در سیر پیشرفت خود شده‌اند. از آنجا که راهکارهای اقتصادی قادر به رفع این مشکلات نبوده، عده‌ای از محققان و تحلیل‌گران مسائل شهری توجه خود را به توسعه شهرهای کوچک و میانی، به عنوان یک راه حل اساسی برای مقابله با عدم تعادل و توازن ناشی از رشد نخست شهرها معطوف کرده‌اند تا بدین وسیله بتواند رشد و توسعه را به سایر مناطق کشور تزریق نمایند (رضائی، ۱۳۸۷).

جایگاه و تأثیر سلسله مراتبی این شهرها و شبکه شهری منطقه، می‌تواند موجب توزیع جمعیت و جلوگیری از تمرکز آن شود. شهرهای کوچک و میانی باعث ایجاد زمینه‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی حوزه محلی شده که به تبع آن کاهش مهاجرت‌ها و تغییر جهت آنها از نواحی و کانون‌های شهری بزرگ‌تر را در پی دارد. برای ایجاد و بسط یک محیط شهری- منطقه‌ای متجانس، همگون و دارای روابط کامل، برقراری و تجهیز شبکه ارتباطی- خدماتی و رشد دادن نهادها و ساختارهای اساسی در شهرهای کوچک و میانی به ویژه در رابطه با نواحی روستایی آنها بسیار مهم و بنیادی خواهد بود و حتی از ارتقای سهم و رتبه جمعیتی آنها در هرم جمعیتی منطقه و کشور مهم‌تر به نظر می‌رسد.

به طور کلی شهرستان قوچان دارای پتانسیل‌ها و قابلیت‌های محیطی و طبیعی و انسانی و اجتماعی و اقتصادی مهم و ارزنده‌ای جهت توسعه می‌باشد که با توجه، برنامه‌ریزی اصولی، سرمایه‌گذاری و استفاده کارا از قابلیت‌های موجود از سوی برنامه‌ریزان و مدیران آن، شرایط رسیدن به توسعه مطلوب شهرستان فراهم خواهد شد.

جدول شماره ۲: جایگاه شهرستان قوچان و ضریب توسعه در استان بر مبنای شاخص‌های ترکیبی

طبق تکنیک‌های تحقیق

رتبه	موريس		تاکسونومی		امتیاز استاندارد		تایسیس	
	شهرستان	ضریب توسعه‌یافتگی	شهرستان	ضریب توسعه‌یافتگی	شهرستان	ضریب توسعه‌یافتگی	شهرستان	ضریب توسعه‌یافتگی
۱	مشهد	۰/۵۷	مشهد	۰/۴۲	مشهد	۰/۶۲	مشهد	۰/۵۲۹
۲	گناباد	۰/۵۶	گناباد	۰/۷۷	گناباد	۰/۵۷	گناباد	۰/۴۹۶
۳	بردسکن	۰/۵۱	بردسکن	۰/۷۸	بردسکن	۰/۳۷	بردسکن	۰/۴۴۵
۴	درگز	۰/۵۱	درگز	۰/۸۰	درگز	۰/۳۵	درگز	۰/۴۲۴
۵	کاشمر	۰/۴۸	نیشابور	۰/۸۲	کاشمر	۰/۲۵	سرخس	۰/۳۷۷
۶	نیشابور	۰/۴۵	کاشمر	۰/۸۴	نیشابور	۰/۱۳	کلات	۰/۳۷۲
۷	فریمان	۰/۴۵	قوچان	۰/۸۶	فریمان	۰/۱۲	کاشمر	۰/۳۶۷
۸	سبزوار	۰/۴۳	فریمان	۰/۸۷	سبزوار	۰/۰۶	سبزوار	۰/۳۵۳
۹	قوچان	۰/۴۳	تربت	۰/۸۷	سرخس	۰/۰۵	قوچان	۰/۳۳۸
۱۰	سرخس	۰/۴۳	سبزوار	۰/۸۹	قوچان	۰/۰۴	نیشابور	۰/۳۳۳
۱۱	تربت	۰/۴۲	سرخس	۰/۹۰	تربت	۰/۰۲	فریمان	۰/۳۲۴
۱۲	تربت جام	۰/۴۰	تربت جام	۰/۹۱	تربت	-۰/۰۹	تربت	۰/۳۱۸
۱۳	تایباد	۰/۳۷	تایباد	۰/۹۱	تایباد	-۰/۱۷	خواف	۰/۲۹۹
۱۴	خواف	۰/۳۷	خواف	۰/۹۲	خواف	-۰/۱۸	مه ولات	۰/۲۹۴
۱۵	کلات	۰/۳۷	چناران	۰/۹۳	کلات	-۰/۲	رشتخوار	۰/۲۷۴
۱۶	چناران	۰/۳۴	کلات	۰/۹۵	چناران	-۰/۲۸	تربت	۰/۲۷۴
۱۷	رشتخوار	۰/۳۱	رشتخوار	۰/۹۶	رشتخوار	-۰/۴۲	تایباد	۰/۲۷۳
۱۸	خلیل آباد	۰/۲۶	خلیل آباد	۰/۹۸	خلیل آباد	-۰/۵۷	چناران	۰/۲۷۰
۱۹	مه ولات	۰/۲۴	مه ولات	۰/۹۹	مه ولات	-۰/۶۹	خلیل	۰/۲۶۵

## نتیجه گیری

از آنجا که مهم ترین اقدام در برنامه ریزی، تعیین هدف است، بر مبنای شناخت و آگاهی از وضعیت موجود نواحی نسبت به یکدیگر و درجه بندی آنها از لحاظ برخورداری از مواهب توسعه، می بایست در برنامه ریزی هایی که جهت تخصیص اعتبارات و منابع صورت می گیرد، نقاط سکونتگاهی و نیز بخش هایی که دارای بیشترین درجه محرومیت اند، در اولویت برنامه های محرومیت زدایی قرار گیرند.

به بیان دیگر، طبق آنچه که در برنامه های توسعه طی دهه های اخیر تحقق یافته، ضروری است تا جهت کاهش نابرابری های موجود نواحی، به برنامه ریزی های منطقه ای و دوری از برنامه ریزی بخشی، پیروی از سیاست های متعادل و متوازن در ایجاد فرصت های برابر برای تمام نواحی، تمرکززدایی از مرکز استان و توزیع منابع و سرمایه در شهرهای میانی و کوچک منطقه به منظور توسعه یکپارچه استان اقدام گردد. از این رو امر بدیهی است که در برنامه ریزی های منطقه ای نواحی محروم (سطح ۲) در اولویت نخست توسعه اجتماعی - اقتصادی و نواحی توسعه یافته و به عبارت دیگر نواحی دارای شرایط مطلوب تر (سطح ۱) در اولویت بعدی قرار گیرند. البته این به معنای کم توجهی به مناطق سطح ۱ نخواهد بود؛ چرا که به طور کلی شاخص های توسعه یافتگی در کشور ما نسبت به سطح جهانی آن پایین است، از این روی ارتقاء سطح کلی آن در برنامه های آتی ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در حقیقت حجم بیشتر سرمایه گذاری های زیربنایی و صنعتی را شهرستان مشهد به عنوان مرکز استان از آن خود نموده است و مقدار اندکی از آن نصیب شهرهای پیرامونی و مرزی استان می گردد.

با توجه به اینکه شهرستان قوچان جزء چهار شهر میانی استان می باشد، اما از لحاظ سطح توسعه از وضعیت و جایگاه مطلوبی در استان، برخوردار نبوده و لزوم توجه و تمرکز دایی از مرکز با هدف تخصیص بهینه منابع، اخذ تصمیمات سریع و صحیح در داخل استان، اولویت دادن به طرح های توسعه ای مورد نیاز با توجه به استعدادها و محدودیت ها، کاهش هزینه های اجرایی، اولویت دهی به بخش های زیرساختی به ویژه بخش اقتصادی و صنعتی در راستای ارتقاء جایگاه شهرستان و همچنین توجه بیش از پیش مسئولان و مدیران و برنامه ریزان شهری، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

بر اساس اهداف این تحقیق و با توجه به شاخص های مورد استفاده رهیافت های زیر پیشنهاد می شود:  
با توجه به اینکه هدف نهایی جهت انجام چنین تحقیقاتی رسیدن به توسعه متعادل منطقه ای و شناسایی جایگاه نواحی مختلف استان و متعاقب آن شناسایی نقاط سکونتگاهی محروم و تلاش در راستای کاهش و در نهایت رفع آن و همچنین توزیع متعادل و دستیابی به عدالت اجتماعی در سطح منطقه ای است، بهترین و کاراترین راهکار، تأکید بر شهرهای کوچک و میانی در توسعه منطقه ای و تمرکززدایی از مرکز، به دلایل زیر عنوان می شود:



- ۱- باعث کاهش و تعدیل مسائل و مشکلات در زمینه مسکن، حمل و نقل، اشتغال، آلودگی‌ها و تأمین خدمات شهری می‌شود.
  - ۲- باعث حذف و یا کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای در مقیاس شهری و روستایی می‌گردد.
  - ۳- تحرک و پویایی از طریق ایجاد خدمات، امکانات و بازار برای تولیدات کشاورزی حوزه‌های روستایی به اقتصاد روستایی را فراهم می‌آورد.
  - ۴- کاهش تمرکز اداری را در شهرهای بزرگ یکی از نتایج آن خواهد بود. در این صورت تمرکز سرمایه‌گذاری در شهرهای بزرگ صورت نمی‌گیرد و برای سرمایه‌گذاری‌های بخش عمومی و خصوصی در شهرهای میانی و دیگر شهرها زمینه‌های مساعدی ایجاد می‌شود.
  - ۵- با توجه به اینکه در کشورهای در حال توسعه، فقر بیشتر در شهرهای میانی و کوچک دیده می‌شود، سرمایه‌گذاری در این شهرها برای بیکاران و مهاجران روستایی فرصت‌های اشتغال ایجاد می‌کند و در نتیجه باعث کاهش فقر می‌شود.
- مطالعات مربوط به مسائل و سلسله مراتب شهری ایران بدون استثنا عملکرد و نقش در حال افزایش کلان‌شهرها را نشان می‌دهد که در نهایت به ضرر شهرهای متوسط تمام می‌شود. بدین جهت با توجه به مجموعه شرایط و مسائل عنوان شده و تجربیاتی که در طول دهه‌های گذشته به دست آمده است، هرگونه تصمیم‌گیری در سیاست تعادل بخشی نظام شهری ایران باید از پایین شروع شود تا ضمن حفظ روابط ارگانیکی مکان‌های مرکزی و بالآخره شهرها با نواحی کوچک و قلمروهای طبیعی جوامع انسانی در داخل یک سیستم با حفظ وابستگی بنیادی و متعلق به مجموعه‌ها در مفهوم فضایی آن شکل گیرد.
- بنابراین با مدیریت جامع شهری و سیاست‌گذاری صحیح در زمینه مدیریت شهرهای کوچک و متوسط می‌توان به موارد ذیل جامه عمل پوشاند:
- ۱- از نظر زیست محیطی شهرهای پایدار و سازگار با محیط زیست به وجود آورد.
  - ۲- با کنترل و تعدیل در روند مهاجرت‌های روستایی به سمت شهرهای بزرگ می‌توان نوعی نظام سلسله مراتبی شهری سنجیده و متعادل ایجاد کرد.
  - ۳- شهرهای متوسط با درجه بالایی از امکان مشارکت ساکنان، زمینه بهتری را برای توسعه و همبستگی اجتماعی فراهم می‌آورند.
  - ۴- مقابله با مسائل مسکن اهمیت بسیاری در مدیریت شهری دارد و در شهرهای متوسط امکان ارائه پاسخ‌های متنوع به مشکلات فراهم است.
  - ۵- عمران روستایی از طریق شهرهای میانه، بهتر امکان پذیر خواهد بود.
  - ۶- هزینه‌های خدمات عمومی و شهری به میزان زیادی کاهش پیدا خواهد کرد.



## منابع

- ۱- بایر، جرال دوسیرزدادی، ۱۳۶۸، پیشگامان توسعه، ترجمه سیدعلی اصغر هدایتی و علی یاسری، انتشارات سمت، تهران.
- ۲- بید آبادی، بیژن، ۱۳۶۲، آنالیز تاکسونومی، سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی، تهران.
- ۳- پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی سناجردی، حسین، ۱۳۶۲، نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران.
- ۴- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، تحلیل و نقد شیوه‌های طبقه‌بندی روستاها، تهران.
- ۵- حسینی، میرعبدالله، ۱۳۷۰، مقایسه درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان‌های کشور با استفاده از روش‌های تاکسونومی، ماهنامه جهاد، وزارت جهاد کشاورزی، شماره ۱۸۵ و ۱۸۴.
- ۶- رضائی، مریم، ۱۳۸۷، رساله کارشناسی‌ارشد به راهنمایی دکتر مسعود تقوایی - دکتر حسین صرامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- ۷- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۷۳، سنجش و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی در شهرستان سنندج، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دانشگاه مشهد، شماره سوم.
- ۸- روزبهان، محمود، ۱۳۷۹، مبانی توسعه اقتصادی، انتشارات تابان، تهران.
- ۹- زیاری، کرامت . . . ، ۱۳۸۳، مکتب‌ها و نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد.
- ۱۰- زیاری، کرامت الله و همکارانش، ۱۳۷۹، سنجش درجه توسعه‌یافتگی روستاهای استان یزد، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۱۳.
- ۱۱- زارع، جمال، ۱۳۷۶، رهاورد توسعه در مناطق محروم، معاونت عمرانی استانداری فارس، چاپ نشده.
- ۱۲- سارکی، ناصر، ۱۳۷۴، تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- ۱۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵، سالنامه آماری استان خراسان رضوی.
- ۱۴- سعیدی، عباس، ۱۳۷۷، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۵- شکوئی، حسین، ۱۳۸۳، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۶- شهبازی، اسماعیل، معانی، ۱۳۶۹، اشاعه تکنولوژی مناسب در جریان توسعه، مجله دانشمند، فروردین و اردیبهشت.
- ۱۷- صابری فر، رستم، ۱۳۸۲، توسعه روستایی با نگرشی بر نظریه‌های جغرافیایی - مکانی.
- ۱۸- عربی، سیدهادی و لشکری، علیرضا، ۱۳۸۳، توسعه در آینه تحولات، سمت.
- ۱۹- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۳۸۴، استان خراسان رضوی، شهرستان قوچان، انتشارات

- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول.
- ۲۰- قدیری معصوم، مجتبی، توان‌سنجی نواحی جغرافیایی ایران برای برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی (دشت مغان)، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، راهنما دکتر رحمت الله فرهودی، دانشگاه تهران.
- ۲۱- کلانتری، خلیل، ۱۳۷۷، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، چاپ اول، انتشارات خوشبین، تهران.
- ۲۲- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، سرشماری نفوس و مسکن.
- ۲۳- معمار زاده، قدرت ا. . . ، ۱۳۷۴، گزارش توسعه انسانی، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ۲۴- موسوی، میرنجف، ۱۳۸۲، سنجش درجه توسعه‌یافتگی نواحی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد.
- ۲۵- مهندسین مشاور DHV از هلند، ۱۳۷۱، رهنمودهایی در برنامه‌ریزی مراکز روستایی، مترجمان سید جواد میرناصر اوکتایی و محمد گنجیان، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.
- ۲۶- هیلهورست، ژوزف، ۱۳۷۰، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ترجمه غلامرضا شیرازیان و دیگران، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ۲۷- نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی، ۱۳۸۲، مرکز آمار ایران.

- 28- Arthur C. N and *et al.*, 1994, The Raleaf Regional Development Management in Cenral City, Revitalization, Journal of Planning Literature, vol & No. 4.
- 29- Bhatia. V. K & Rai, S. C, 1997, Evaluation of Socio-Economic Development in Small Areas, New Dehli. UNDP, Human Development Report, New York, 1991, PP:011-230, 2004.
- 30- Kalantari, khalil, 1998, Identification of Backward Regions in Iran, Geographical Research Qurterly, Mashhad, N. 48, P:124.
- 31-Long, Norman, 1988, Sociological Perspectiveon Agrarian Development and State Intervention in Development policies Sociological Perspective, edited by Anthony Hall and James Midgley, Manchester University Press.
- 32-Ning Datong, 1999, An Assessment of the economic losses Resulting from land Degradation in chine lagricultural land in chine, chin a papers.
- 33-Peet, R, 1999, Theories of development, Guilford press, New York, London.
- 34-UNDP, 1997, Human Development Report, New York.